

## دو فصلنامه پژوهشنامه فقه و نظام سازی عدالت

سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۹۶

### بررسی ارتباط نکاح در فقه امامیه و سبک زندگی اسلامی

سید محمد امام<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۲۲

#### چکیده

نکاح از زمان خواستگاری دارای احکام فراوانی در فقه امامیه است که رعایت آن توسط زوج‌ها باعث تحقق سبک زندگی اسلامی می‌گردد. در مواردی می‌بینیم که افراد مسلمان به خاطر جهل به احکام به وظایف شرعی خود صحیح عمل نمی‌کنند. مهریه از این قبیل است و مرد باید به محض وقوع عقد شرعی و مطالبه از جانب زن آن را باید پرداخت نماید؛ لذا باید مهریه را طوری قرار دهد که توان پرداخت آن را داشته باشد. زوجه مستحق نفقه نیز می‌باشد و در سبک زندگی اسلامی مرد نان‌آور است. و از اختلاط زن و مرد نهی شده است. زوجه باید در مورد خواسته جنسی شوهر مطیع باشد و خود را برای او بیاراید و حتی روزه مستحبی نیز منوط به اجازه شوهر است. شوهر نیز باید با زن حسن معاشرت داشته باشد و نزدیکی با همسر خود را بیش از چهار ماه به تأخیر نیندازد. اگر زوجین به وظایف خود عمل کنند بنیان یک خانواده اسلامی را نهاده‌اند و مهم‌ترین اقدام برای تحقق سبک زندگی اسلامی، رعایت دستورات شرعی می‌باشد. روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی و براساس مطالعات کتابخانه‌ای است.

**واژگان کلیدی:** فقه امامیه، نکاح، سبک زندگی، نفقه، مهریه

---

۱- دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق دانشگاه عدالت

mohammad.em61@yahoo.com

### مقدمه

یکی از رهنمودهای بنیادین اسلام، ازدواج و تشکیل خانواده است. از آیه‌های قرآن کریم، مطلوب بودن نکاح را به روشنی می‌توان یافت نمود؛ مطلوبیتی که در فقه گاهی به حدّ وجوب نیز می‌رسد. در زمینه سنت نیز روایات زیادی در زمینه مطلوبیت ازدواج وارد شده است. در فقه نکاح، هر یک از زوجین دارای وظایف و مسئولیت‌هایی در قبال خانواده هستند. فقه امامیه نقش به‌سزایی در تحقق جامعه الهی دارد و بدون شک یکی از ابواب بسیار مهم فقهی اثر گذار در تحقق سبک زندگی اسلامی، فقه نکاح است. متأسفانه امروزه، بسیاری از احکام دین، در جوامع اسلامی از جمله کشورمان اجرا نمی‌شود و این در حالی است که اگر مردم به این احکام عمل می‌کردند، امروزه با مشکل از هم گسیختگی روز افزون خانواده‌ها و آمار بالای طلاق، در جامعه مواجه نبودیم.

با توجه به این که خانواده اولین نهادی است که هر فرد در آن، آموزش می‌پذیرد و سبک زندگی خود را غالباً مبتنی بر آموزه‌های خانواده قرار می‌دهد، اگر زوجین در هنگام عقد نکاح توجه به فقه و احکام مربوط به این باب مهم فقهی داشته باشند، مهم‌ترین گام را در تحقق سبک زندگی اسلامی برداشته‌اند؛ زیرا معمولاً افرادی که پیش از ازدواج احکام نکاح را فراگرفته و زندگی زناشویی خود را براساس مطابقت با آن آغاز می‌کنند، در ادامه زندگی نیز این نگرش را حفظ می‌کنند و سبک زندگی، آنها اسلامی خواهد شد و این نوع زندگی آنها مسلماً تأثیر به‌سزایی در فرزندان آنها خواهد داشت و نتیجه این خواهد بود که جامعه به محقق شدن سبک زندگی اسلامی بسیار نزدیک خواهد شد و نگارنده امید دارد که گاهی هر چند کوچک در این زمینه بردارد. تاکنون تحقیقی تحت عنوان بررسی ارتباط نکاح در فقه امامیه و سبک زندگی اسلامی نیافتم اما در کتابهای متعدد فقهی پیرامون فقه نکاح بحث شده است که از جمله آنها کتاب بررسی فقهی حقوق خانواده از دکتر سید مصطفی محقق داماد می‌باشد و ما از آن در مقاله خویش بهره جستیم.

### مفاهیم

**نکاح:** از مصدر نکح ینکح نكحاً به معنای بضع و هم چنین تزویج می‌باشد (فراهیدی، ۱۴۰۵: ۶۳) در این که کلمه نکاح حقیقت در هر دو معنی وطی و تزویج است یا این که در

یکی از دو معنی وطنی و تزویج حقیقت و در دیگری مجاز است، بین لغوی‌ها مورد اختلاف است (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۲۴۰). جمعی نیز گفته‌اند که نکاح در اصل به معنای النقاء است. گفته می‌شود تنکاح الجبلان إذا التقیا (نجفی، ۱۹۸۱: ۵). به هر حال در این مقاله هر گاه از کلمه نکاح استفاده کردیم مرادمان عقد نکاح و تزویج است.

فقه: واژه فقه در لغت به علم در دین می‌باشد (فراهیدی، ۱۴۰۵: ۳۷۰). هم چنین در معنای فهم نیز بکار رفته، لذا گفته می‌شود فقه یفقه فقهاً إذا فهمَ (همان) در ارتباط با معنای اصطلاحی فقه نیز آمده است: فقه، عبارت از دانستن و فهمیدن احکام فرعی شریعت دین اسلام از طریق دلایل تفصیلی آنهاست (ابن زین الدین، ۱۳۷۶: ۲۸).

مراد از فقه امامیه، مجموعه احکامی است که فقهاء شیعه از مبانی ادله اربعه برای جهت دادن افعال مکلفین به تعالی انسانی و کسب فیوضات بندگی بیان شده است.

سبک زندگی: واژه سبک زندگی، مفهومی است که از پیشینه طولانی برخوردار نیست؛ همان طور که راجع به اولین کسی که واژه سبک زندگی را ابداع کرد، اختلاف است؛ راجع به چیستی سبک زندگی نیز اختلافاتی وجود دارد که تمام تعاریف را می‌توان در دو گروه خلاصه کرد. بدین شرح که گروه اول، سبک زندگی را فقط محصور در رفتار می‌دانند و گروه دوم، ارزش‌ها و نگرش‌های افراد را نیز علاوه بر رفتارهای آنان، جزء سبک زندگی می‌دانند (ر.ک: فاضلی، ۱۳۸۲: ۶۷). در این مقاله هر جا واژه سبک زندگی را به کار بردیم، مرادمان همان مراد گروه دوم است که رفتارها، ارزش‌ها و نگرش‌ها، همگی جزء سبک زندگی افراد می‌باشند و هر جا از واژه سبک زندگی اسلامی استفاده نمودیم منظورمان رفتارها، ارزش‌ها و نگرش‌هایی می‌باشد که منطبق با تعالیم اسلامی است.

نکاح یکی از مهم‌ترین ابواب فقهی است که فقهاء امامیه به طور مفصل به آن پرداخته‌اند و احکام فراوانی را پیرامون آن ذکر کرده‌اند که ما در این مقاله مهم‌ترین موضوعات این باب مهم فقهی را که دارای تأثیر بیشتری در سبک زندگی اسلامی می‌باشد مطرح نموده و پیرامون ارتباط آن با سبک زندگی مباحثی ذکر خواهیم کرد.

## ۱. خواستگاری

خواستگاری یکی از کارهای مقدماتی ازدواج و نکاح است که در عربی نامش خطبه است، که با توجه به فرهنگ‌های مختلف توسط داماد و خانواده او انجام می‌گیرد.

خطبه بکسر الخاء یعنی درخواست مرد از زن یا ولی او برای ازدواج (العاملی، ۱۴۲۵: ۲۰). براساس احکام فقهی، نکاح باید به سبک و شیوه اسلامی انجام گیرد و خواستگاری نیز در اسلام دارای احکامی به شرح زیر می‌باشد:

- ◀ جواز خواستگاری از زنی که خالی از نکاح و عده است چه به صورت تصریح و چه به صورت تعریض
- ◀ حرمت و ممنوعیت خواستگاری از زنان شوهردار، به صورت تصریح یا تعریض
- ◀ حرمت و ممنوعیت خواستگاری از زنی که در عده رجعیه است، از ناحیه غیر زوج به صورت تصریح یا تعریض
- ◀ جواز خواستگاری از زنی که در عده سه طلاقه است، از سوی زوج به صورت تعریض، ولی زوج و سایرین به صورت تصریح حق خواستگاری از چنین زنی را ندارند.
- ◀ حرمت و ممنوعیت خواستگاری از زنی که به علت لعان یا علل دیگر در عده نه طلاقه است، از ناحیه زوج و سایرین تصریحاً یا تعریضاً.
- ◀ خواستگاری از زنی که در عده طلاق باین است، مانند مختلعه یا زنی که نکاحش فسخ گردیده، توسط شوهر به تصریح یا تعریض و توسط سایرین فقط به تعریض جایز است.
- ◀ خواستگاری از زنی که در عده وفات است به صورت تعریض جائز و به صورت تصریح ممنوع است؛ به دلیل آیه شریفه: «ولاجناح علیکم فیما عرضتم به من خطبه النساء؛ بر شما باکی نیست که به خواستگاری آن زنان بروید (بقره/آیه ۳۸)» به موجب روایات معتبره، آیه شریفه در مورد زنانی است که شوهرانشان فوت کرده و در عده وفات به سر می‌برند (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۲۷-۲۸).

منظور از خواستگاری به تصریح در احکام فوق‌الذکر کلامی است که به صورت صریح بر امر نکاح دلالت کند و محتمل دیگری نداشته باشد، مثل آنکه بگوید: «من می‌خواهم با تو ازدواج کنم» و منظور از تعریض این است که لفظی به کار رود که اشاره به تمایل ازدواج داشته باشد. مثل آن که بگوید: «چه بسا به تو رغبت دارند.» و یا «تو زیبا هستی» (همان: ۲۷).

می‌بینیم که خواستگاری دارای احکامی است که چه بسا بسیاری از مسلمانان از این احکام بی‌خبرند و در اثر همین بی‌اطلاعی گاهی به حرام می‌افتند. مثلاً مورد سوم یعنی حرمت خواستگاری در عده رجعیه از ناحیه غیر زوج را برخی نمی‌دانند و با این ندانستن به این خطا مرتکب می‌شوند و به عقیده ما یکی از محکم‌ترین گام‌ها و اساسی‌ترین آنها جهت محقق شدن

سبک زندگی اسلامی، دانستن ابواب فقه و احکام شریعت می باشد که یکی از مهم ترین باب ها در تحقق سبک زندگی اسلامی باب نکاح می باشد، زیرا نهاد خانواده اگر سالم باشد، جامعه از سلامت برخوردار خواهد بود و سلامت خانواده در گرو این مطلب است که نهاد خانواده از پایه و اساس تشکیل آن یعنی نکاح، براساس قواعد و اصول اسلامی و موازین شرعی شکل گرفته باشد که لازمه آن دانستن احکام فقهی حقوق خانواده و عمل به آن است. نکاح دارای مسائل بسیاری است که در فقه کاملاً به آنها پرداخته شده است و هنگامی که مسلمانان از این احکام آگاه باشند و به آن عمل کنند، سبک زندگی اسلامی محقق می شود، در غیر این صورت ممکن است در امر نکاح نزاع های بسیاری رخ دهد که از جمله اختلافاتی که معمولاً پس از به هم خوردن وصلت و گرفتن طلاق رخ می دهد، نزاع بر سر هدایایی است که در دوران خواستگاری بین دو طرف رد و بدل شده که در این بخش قصد داریم مسأله فقهی مسأله را تبیین کنیم که پس از طلاق، زچین حق دارند هدایایی که به زوج مقابل خود دادند را پس بگیرند یا خیر؟ ماده ۱۰۳۷ قانون مدنی می گوید: «هر یک از نامزدها می توانند در صورت به هم خوردن وصلت منظور، هدایایی را که به طرف دیگر یا ابوی او برای وصلت منظور داده است مطالبه کند. اگر عین هدایا موجود نباشد مستحق هدایایی خواهد بود که عادتاً نگاه داشته می شود، مگر این که آن هدایا بدون تقصیر طرف دیگر تلف شده باشد. توجیه فقهی این ماده قانونی بدین شرح می باشد: تقدیم هدایا از سوی نامزدها یا کسان آنان به طرف دیگر از مصادیق هبه است، و واهب می تواند در غیر مورد ذوی الأرحام، مال موهوبه را مسترد نماید. مگر این که مال، تلف شده باشد و یا این که واهب یا متهب فوت کند، که در این مورد مال موهوبه قابل استرداد نیست (همان: ۳۹).

## ۲. مهریه

یکی از بحث های مهم باب نکاح، بحث مهریه است که تأثیر فراوانی در بحث سبک زندگی دارد. از آنجا که ما مفهوم سبک زندگی را محصور در رفتار انسان ها ندانسته و ارزش ها و نگرش های افراد را نیز از اجزای تشکیل دهنده سبک زندگی دانستیم؛ نوع نگرش به مسأله مهریه از اهمیت والایی در سبک زندگی برخوردار است؛ از این رو مهریه را با توضیح بیشتری ذکر خواهیم کرد. مهریه هدیه ای است که از جانب زوج به زوجه داده می شود و از مهریه با سه عنوان در قرآن یاد شده است که عبارتند از نحلہ (نساء/ آیه ۴) فریضه (بقره/ آیه ۲۳۷) و در

آیه‌ای دیگر که دلالت بر مهریه نکاح منقطع زنان دارد با لفظ *أجورهن* تعبیر آورده شده است (نساء/آیه ۲۴).

مهریه به هر چیزی که مالیت داشته باشد می‌تواند تعلق بگیرد چنان که در ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی آمده است: «هر چیزی را که مالیت داشته باشد و قابل تملک نیز باشد می‌توان مهریه قرار داد».

این ماده قانونی مطابق با حکم فقهی مهریه است و فقها فرموده‌اند: هر آنچه را که مسلمانان مالکش می‌شوند، صحیح است که مهریه قرار داده شود؛ عین باشد یا دین، یا منفعت عین مملوکی از خانه یا مزرعه یا حیوان باشد (خمینی، ۱۳۷۹: ۷۴۱). به موجب ماده قانونی ۱۰۸۲ که مطابق با آراء مشهور فقها نیز می‌باشد زن به محض عقد می‌تواند جهت اخذ تمامی مهر اقدام نموده، و آن را از شوهر گرفته و تصرف نماید.

پس اگر قبل از دخول، طلاق واقع گردد، نصف آن به شوهر برمی‌گردد و برای زن نصف آن باقی می‌ماند. و زن حق دارد بعد از عقد، هر نوع تصرفی در آن بکند و بعد از اینکه شوهرش او را قبل از دخول طلاق داد نصف آن چه که عقد بر آن واقع شده است، مال زوج می‌گردد (همان، ص ۷۴۳).

مستند مشهور فقهاء در مسأله ذکر شده علاوه بر روایات واصله، آیه شریفه «و آتوا النساء صدقاتهن نحله (نساء/۴)» می‌باشد که حکم این آیه مطلق است و به قبل یا بعد از نزدیکی مقید نیست.

همان طور که ذکر شد، نوع نگرش به مساله مهریه، امری است که تأثیر به‌سزایی در سبک زندگی اسلامی دارد. متأسفانه امروزه در جامعه اسلامی ما، در بین عموم مردم مشهور گشته که مهریه را چه کسی داده و چه کسی گرفته؟! واقعاً اگر داماد با این تفکر که مهریه، دینی است که به گردن او نهاده شده، زیر بار مهریه‌های سنگین امروزی که مثلاً به تعداد سکه‌های طلای سال تولد همسرش است می‌رود؟!!

همین مهریه‌های سنگین و غیرمتعارف باعث به زندان افتادن شوهرانی در کشور ما گردیده که در دوران نامزدی هیچ‌گاه فکر نمی‌کردند، یک روز کارشان به دادگاه و زندان بینجامد و علت این امر، ندانستن یا باور نداشتن حکم فقهی مهریه است و وظیفه بزرگترهاست که در هنگام ازدواج، این قبیل موارد را به جوانان گوشزد کنند و روایات عقوبت نپرداختن مهریه زن را یاد

دهند از جمله این روایات که پیامبر در آخرین سخنرانی خود در مدینه در ضمن توصیه‌هایی که چشم‌ها از آن گریان و دل‌ها هراسان شد، فرمود: هر کس بر زنی در مهریه‌اش ستم کند، نزد خدا زناکار به شمار می‌آید. روز قیامت خدا به او می‌فرماید: بنده من! کنیزم را با عهد خودم به عقد تو درآوردم؛ ولی تو به عهدم وفا نکردی، پس خدا طلب حق آن زن را بر عهده می‌گیرد و همه نیکی‌های آن مرد را برای زن به حساب می‌آورد؛ ولی حق آن زن ادا نمی‌شود، از این‌رو فرمان داده می‌شود آن مرد را به آتش افکنند (صدوق، ۱۳۸۱: ۲۸۰-۲۸۳). بلکه امروزه در اثر چشم و هم‌چشمی، بسیاری از خانواده‌های متدین نیز زیر بار مهریه متعارف با درآمد داماد نمی‌روند و آن را مایه خجالت در برابر اقوام و خویشان می‌بینند و این به علت عدم نگرش صحیح به مسأله مهریه است که پرداخت آن واجب می‌باشد و اگر شوهران باور داشته باشند که مهریه را باید پردازند و دینی است که بر گردنشان است آن را مطابق با مقدار متعارفی که بتوانند آن را پرداخت کنند قرار می‌دهند.

حال که راجع به ضرورت پرداخت مهریه بحث کردیم لازم است به این نکته نیز اشاره کنیم که نوع نگرش مسلمانان به علت تشریح مهریه تأثیر به‌سزایی در بحث سبک زندگی دارد. برای تبیین نگرش صحیح به مسأله مهریه، علل تشریح آن را ابتدا بحث خواهیم کرد؛ سپس نقش نگرش صحیح اسلامی به مهریه را در تحقق سبک زندگی اسلامی تبیین خواهیم نمود. قبل از مطرح کردن علت اصلی تشریح مهریه لازم به ذکر است که برخی از مردم به اشتباه تصور می‌کنند که مهریه هم چون بهای کنیز یا اجرت در ازدواج موقت است؛ بدین شرح که مرد در برابر حق استمتاع، به زن اجرت می‌دهد. در این دیدگاه، مهریه مالی است که به خاطر بهره‌ای که مرد از زن می‌برد پرداخت آن بر او واجب شده است. کسانی که چنین دیدگاهی دارند، بر این باورند که ازدواج مانند خرید و فروش است و مرد خریدار و زن فروشنده است. مرد، خریدار بضع یا بدن زن است و زن نیز آن را در اختیار مرد قرار داده و به جای آن مهریه می‌گیرد. متأسفانه برخی از اندیشمندان اسلامی نیز به اشتباه به این باور معتقد شده‌اند (ر.ک: القرطبی، ۱۹۶۶: ۱۲۹).

اما اسلام شناسان تیزبین برداشتی از مهریه دارند که نه تنها از جایگاه و منزلت زن (زوجه) نمی‌کاهد بلکه مهریه را در نظام حقوقی اسلام، عطیه‌ای بلاعوض می‌داند که مرد در راستای

پیروی از دستور خداوند متعال و با هدف تحکیم خانواده، آن را به همسر خویش اهدا می‌نماید.

در این باره به ذکر استدلال چند تن از دانشمندان بزرگ اسلام که قائل به این امر در ارتباط با مسأله مهریه شده‌اند، می‌پردازیم.

#### - شیخ طوسی

شیخ طوسی در تفسیر خود می‌فرماید: لفظ «نحلة» (سوره نساء/آیه ۴) نشان از هدیه بودن مهریه است. مهریه هدیه‌ای است برای زن از طرف خداوند. این که خدای تبارک و تعالی مهریه را بر مرد واجب گردانیده و هیچ چیزی بر عهده زن نیست، بدین معنی است که در واقع مهریه، عطیه‌ای است از سوی خداوند برای زنان (طوسی، بی‌تا: ۱۰۹). بنابراین می‌توان شیخ طوسی را از علمایی دانست که مهریه را هدیه‌ای از سوی مرد برای زن می‌دانند، نه این که واقعاً عوض از استمتاع باشد و به بیان ایشان این هدیه به حکم تکلیفی از سوی خدا بر مرد واجب شده است.

#### - شیخ طبرسی

شیخ طبرسی در مجمع البیان می‌فرماید: خداوند استمتاع را میان زن و مرد مشترک قرار داد و سپس در مقابل استمتاع، مهر را بر مرد واجب کرد، بر این اساس، مهر صرفاً یک عطیه الهی است (طبرسی، ۱۳۷۵: ۱۲؛ هم‌چنین ر.ک: شرف الدین، ۱۳۸۰: ۲۰۳).

#### - شهید مطهری

شهید مطهری در تبیین علت تشریح مهریه می‌فرماید: پدید آمدن مهر نتیجه تدبیر ماهرانه‌ای است که در متن خلقت و آفرینش برای تعدیل روابط زن و مرد و پیوند آن‌ها با یکدیگر به کار رفته است. (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۸۳).

قرآن کریم با لطایف و ظرایف بی‌نظیری می‌گوید: کابین زنان را که به خود آن تعلق دارد و عطیه و پیش‌کشی است از جانب شما به آن‌ها، به خودشان بدهید. (وآتوا النساء صدقاتهن نحله؛ نساء/آیه ۴). قرآن کریم در این جمله کوتاه به سه نکته اساسی اشاره کرده است: اولاً با نام «صدقۃ» (با ضم دال) یاد کرده است نه با نام «مهر». صدقه از ماده صدق است و بدان جهت



به مهر صداق یا صدقه گفته می‌شود که نشانه راستین بودن علاقه مرد است. بعضی مفسرین مانند صاحب کشف به این نکته تصریح کرده‌اند، هم چنان که بنا به گفته راغب اصفهانی در مفردات غریب القرآن علت این که صدقه (به فتح دال) را صدقه گفته‌اند این است که نشانه صدق ایمان است. دیگر (ثانیاً) این که با ملحق کردن ضمیر «هن» به این کلمه می‌خواهد بفرماید که مهریه به خود زن تعلق دارد نه پدر و مادر؛ مهر مُزد بزرگ کردن و شیردادن و نان دادن به او نیست. سوم (ثالثاً) این که با کلمه «نحله» کاملاً تصریح می‌کند که مهر هیچ عنوانی جز عنوان تقدیمی و پیش‌کشی و عطیه و هدیه ندارد (همان، ص ۱۸۷)

### ۳. نفقه

یکی از احکامی که جایگاه مهمی در فقه نکاح دارد، بحث نفقه است. ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی در این رابطه می‌گوید: «در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است». در کتابهای فقهی، نفقه زوجه اندازه معینی ندارد بلکه اموری کلی بیان شده و در تعیین حد و اندازه دقیق آن به عرف ارجاع داده‌اند که در این بخش به ذکر قول سه فقیه بزرگ شیعه راجع به نفقه می‌پردازیم:

الف) محقق حلی مصادیق نفقه زوجه را شامل موارد زیر می‌داند:

آنچه زن بدان نیازمند است از غذا، خورش، لباس، مسکن، خدمتکار و وسایل روغن مالی (نظافت) و در این موارد به عرف زن هم شأن زوجه در شهری که زندگی می‌کند مراجعه می‌شود (حلی، ۱۹۸۳: ۳۴۹)

ب) شهید اول می‌فرماید: آنچه در نفقه بر شوهر واجب می‌شود آن است که نیازمندی‌های زن را، مانند خوراک، خورشت، پوشش، مسکن، خدمتکار و وسایل روغن مالی و پاکیزگی (را) تأمین کند. و در این امور از آنچه در شهر زن برای امثال او متعارف است، پیروی می‌شود (شهید اول، ۱۳۸۴: ۹۶)

ج) امام خمینی نیز با بیانی مشابه فقهاء گذشته می‌فرماید: «برای نفقه از ناحیه شرع اندازه‌ای معین نشده، بلکه زوج را موظف نموده به این که هر چه زن نیازمند است از طعام، خورش، پوشاک و رختخواب و فروش و خدمتکار و آلات و وسایل مورد نیاز برای نوشیدنی‌ها و پخت و پز و تنظیف و غیره را برای او فراهم کند (خمینی، ۱۳۷۵: ۷۵۴-۷۵۵).

از نظر اسلام، تأمین هزینه خانواده و از جمله مخارج شخص زن به عهده مرد است، و زن از این نظر هیچ گونه مسئولیتی ندارد. البته تأمین هزینه‌های شخص زن توسط شوهر اختصاص به موردی ندارد که زن از تأمین آن عاجز باشد، بلکه حتی اگر وی دارای ثروت کلانی هم باشد، الزامی ندارد که از اموال شخص خود، مخارج و مایحتاج خویش را تأمین کند؛ چنان که در ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی آمده است: «زن مستقلاً می‌تواند در دارایی خود هر تصرفی را که می‌خواهد بکند». از نظر فقه اسلام، زن در مسائل مالی و اقتصادی استقلال و آزادی کامل دارد، و می‌تواند در اموال شخصی خود هر گونه دخل و تصرفی نماید، بدون آن که کسب موافقت شوهر لازم باشد. اعم از این که اموال قبل از ازدواج به دست آمده باشد، و یا بعد از آن».

در حقوق بعضی از کشورهای اروپایی که مدعی رعایت حقوق زن نیز می‌باشند، از جمله فرانسه؛ حق و وظیفه اداره کردن کلیه امور زن (اعم از این که قبل از پیمان زناشویی تحصیل شده و یا پس از آن) به مرد محوّل گردیده است. (ر.ک: ماده ۴۲۸ قانون مدنی فرانسه). در اینجا باید منصفانه حکم کرد که در قوانین اسلام به حقوق زنان توجه شده یا در کشورهای متمدن غرب؟! چنان که برخی از حقوقدانان به درستی اشاره کرده‌اند: با مقایسه اجمالی بین قانون اسلام در مبحث نکاح و قوانین دنیای متمدن غرب که شاید متمدن‌ترین و کامل‌ترین آنها قانون مدنی فرانسه باشد، می‌توان گفت برخلاف تصور عده‌ای، حدود اختیارات زن و آزادی و استقلال او در انجام امور مالی و روابط حقوقی و اقتصادی در شرایط و نظام حقوقی اسلام به مراتب وسیع‌تر و بیشتر از مرزهایی است که در نظام‌های حقوقی کشورهای مدعی تمدن برای زن شناخته شده است (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۳۱۸).

در مقابل این استقلال اقتصادی زنان، اسلام اجازه کارکردن زن را در اختیار شوهرش قرار داده است و ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی در این رابطه می‌گوید: «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند». از نظر فقهی، اصولاً خروج زن از خانه به هر منظوری که باشد باید با موافقت شوهر انجام پذیرد (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۱۷۴-۱۷۵)، همچنین (خمينی، ۱۳۷۵: ۳۳۲)، اراکی، ۱۳۷۱: ۴۴۷)، (حسینی سیستانی، ۱۳۷۷: ۳۸۲)، (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۳۹۸).

در این مورد نیز اسلام مسئله را برای زن سخت نگرفته و زوجه همین اندازه که اطمینان داشته باشد شوهرش برای بیرون رفتن از منزل راضی است، کفایت می‌کند و لازم نیست برای هر بار خارج شدن از منزل، اجازه مستقلاً از شوهرش بگیرد (ر.ک: فاضل لنکرانی، ۱۳۷۹: ۴۶۴). بنابراین در فقه امامیه چنانچه زن در هنگام ازدواج شاغل نبوده و شرط اشتغال زن نشده باشد، شوهر می‌تواند مطلقاً زن را از اشتغال به هر گونه حرفه در بیرون از خانه منع کند.

### وظایف و تکالیف بانوان در سبک زندگی اسلامی

همان طور که پیش از این ذکر شد اسلام حق نفقه را برای زوجه قائل است و حق اجازه یا عدم اجازه خروج زوجه را به زوج داده و این دستورات اسلام به این خاطر است که خروج زن را از خانه محدود کند؛ زیرا وقتی نیازهای مادی‌اش توسط شوهر برطرف گردد، برای کسب درآمد نیازی به اشتغال و خروج از منزل ندارد. لازم به ذکر است که خروج بی دلیل زن از منزل و وارد شدن در مجامع مردانه برابر است با اختلاط زن و مرد که اسلام با آن مخالفت کرده است. چنان که پیامبر اکرم می‌فرماید: النساء عی و عورۃ فاستر و العوۃ بالبیوت و استروا العرۃ بالسکوت؛ زنان عی (عاجز) و عورت‌اند، عورت را با خانه حفظ کنید و عاجز را با سکوت (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۶۶).

در این روایت به نظر می‌رسد زن بدین معنا عورت دانسته شده که چشم‌ها به دنبال اوست و ممکن است از نگاه به او فساد پدید بیاید و از این نظر عی (عاجز) است که تحت سرپرستی مرد است و همواره باید مراقب باشد تا رفتار و کردارش برخلاف مصالح زوجش نباشد؛ پس شوهر نیز باید با زنش مهربان بوده و بر بدخلقی او شکیبایی کند یا به تعبیر روایت سکوت نماید.

ادله روایی و فقهی فراوانی پیرامون مطلوب بودن مخفی بودن زن از چشمان نامحرم وارد شده از جمله این که نقل شده: روزی پیامبر از اصحاب پرسید که صلاح و مصلحت زن در چیست؟ اصحاب نتوانستند جواب صحیحی بدهند. وقتی خبر به گوش حضرت فاطمه زهرا رسید فرمود: «خیر للنساء أن لایرین الرجال و لایراهن الرجال»؛ صلاح زنان در آن است که مردان بیگانه را نبینند و مردان بیگانه هم او را نبینند. پیامبر با شنیدن این جواب دخترش که بسیار دقیق بود خوشحال گشت و فرمود: فاطمه بضعه منی؛ فاطمه پاره تن من است (اربلی، ۱۳۸۱: ۲۳). اگر با انصاف به وضعیت امروز جامعه ایرانی اسلامی بنگریم می‌بینیم که متأسفانه

وضعیت جامعه ما نسبت به گذشته از اسلام فاصله گرفته است. در گذشته تحت تأثیر سبک زندگی اسلامی، زنان افتخار می‌کردند که بگویند خانه‌دار هستند چنان که روایات فراوانی نیز وجود دارد که کار کردن زن را در خانه ارزشمند تلقی نموده‌اند از جمله این که پیامبر فرمود: هیچ زنی از خانه همسرش چیزی را به قصد اصلاح جابجا نمی‌کند، مگر این که خدا به وی نظر رحمت افکند و هر کس که خدا به وی نظر رحمت کند، عذابش نخواهد کرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵۱)، هم چنین (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۶۲).

اما وضعیت جامعه ما به گونه‌ای شده که بسیاری از زنان شاغل هستند؛ البته ما منکر نیستیم که برخی از مشاغل برای زن نه تنها ایراد ندارد، بلکه خدمت به جامعه است، مثلاً زنان به پزشک متخصص زنان و زایمان نیاز دارند و هم چنین در بیماری‌ها نیاز دارند به پزشک زن مراجعه کنند تا آنها را معاینه کند و اگر خانمی به جهت رفع این نیاز زنها پزشکی بخواند و به جامعه خود خدمت نماید، این امر برای او یک ارزش است و در جامعه اسلامی مورد احترام می‌باشد؛ اما متأسفانه امروزه شاهد هستیم که بسیاری از زنان شاغل جامعه ما، در محیط‌های مردانه مثل آژانس‌ها، فروشگاه‌ها و ادارات مشغول فعالیت هستند و اختلاط زن و مرد باعث شده که بسیاری از مردان نسبت به همکار خود که از جنس مخالف است علاقه‌مند شده و کم کم از زن خود رویگردان گردند و یا زن شاغل به همکار جنس مخالف خود علاقه‌مند شده و این علاقه در روابط با شوهرش تأثیر گذاشته و سرانجام این دلسردی‌ها در زندگی زناشویی تأثیر منفی گذاشته و در بسیاری از موارد موجب طلاق می‌گردد و این امری است که در فیلم‌های سینمایی ایران نیز انعکاس یافته و آنقدر این امر واقع شده که انکار آن ناممکن است. اگر ما به فقه خودمان پایبند بودیم این وضع اسف‌بار به وقوع نمی‌پیوست چنان که مراجع تقلید ما براساس روایات واصله می‌فرمایند: برای زنان افضل آن است که در اتاق‌هایشان نماز بخوانند و با فضیلت‌تر این است که در اتاق اندرونی (پستو) نماز بخوانند (خمینی، ۱۳۷۹: ۱۲۲). این در حالی است که برای مردان نماز خواندن در مساجد مستحب می‌باشد (همان).

مسأله دور ماندن زن از چشمان نامحرم به قدری توصیه شده که امیر المؤمنین ۷ نیز در وصیت خود به فرزندش امام مجتبی به آن اشاره کرده می‌فرماید: «وَ اکْتَفُ عَلَیْهِنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِکَ اِیَّاهُنَّ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَى عَلَیْهِنَّ وَ لَیْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ مِنْ أَدْخَالِکَ مِنْ لَایُوثِقُ بِهِ عَلَیْهِنَّ»؛ و با حجاب و

پوشاندن، چشم‌های آنها را از دیدار بازدار (مگذار بیرون رفته چشمشان بر مردم افتد) زیرا سخت گرفتن حجاب (پوشیدگی و آراستگی) برای ایشان پاینده‌تر است (هر چند در حجاب باشند از تباهکاری‌ها محفوظند) و بیرون رفتن اینان بدتر نیست از آوردن کسی را که از جهت ایشان اعتماد و اطمینانی به او نمی‌باشد (خواه مرد یا زن) زیرا گاهی فساد آوردن بعضی از مردم به خانه بیش از بیرون‌شدن زنان نیست (فیض الاسلام، ۱۳۷۷: ۹۳۹-۹۴۰) زن شوهردار از آن جهت که زوجه است مسئولیتی را در برابر زوج خود دارد و زن تا زمانی مستحق نفقه است که به وظایف زوجیت عمل کرده باشد. ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی در این رابطه می‌گوید: «هر گاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود.» اسلام برای آشنایی زن به وظایفش در برابر همسر خود، آگاهی‌هایی را به آنان می‌دهد و بانوان را به وظایف خویش آشنا می‌کند و در جزئی‌ترین مسائل زناشویی در فقه امامیه احکامی بازگو شده که با اطلاع از این دستورات و عمل کردن به آن، بسیاری از اختلافاتی که امروزه در جوامع اسلامی میان زن و شوهر وجود دارد، رفع می‌گردد.

از جمله اینکه در صحیح‌ه محمد بن مسلم از امام باقر نقل شده که پیامبر در جواب زنی که از حقوق شوهر سؤال کرده بود، فرمود: حق شوهر بر زن این است که از شوهر اطاعت کند و با او مخالفت نکند و از خانه او صدقه ندهد و روزه مستحبی نگیرد مگر با اجازه شوهر و از خواسته جنسی همسرش ممانعت نرزد (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۵۲۷) و در روایت دیگر از پیامبر نقل شده که فرمود: زن (در مقابل شوهر) باید خود را با بهترین عطرها معطر نماید و بهترین لباس‌هایش را بپوشد و به بهترین شکل آرایش کند و شب و روز خود را در اختیار شوهر قرار دهد (همان: ۱۵۸).

البته زن در زمانی موظف است که از خواسته جنسی همسرش امتناع نرزد که عذر شرعی نداشته باشد زیرا اگر زن عذر شرعی داشته باشد مثلاً در ایام عادت ماهیانه باشد بر او و شوهرش حرام است که مباشرت جنسی داشته باشند.

در فقه امامیه زن اگر بدون عذر از وظایف واجب خود سرپیچی کند، در همان مرتبه اول نشوز محقق می‌شود؛ ولی اگر توبه نموده و از شوهر اطاعت کند، نشوز برداشته می‌شود (حسینی، ۱۳۸۹: ۱۰۰).

### وظایف مردان در برابر همسرانشان

در سبک زندگی اسلامی، مرد نان‌آور خانواده است و در شرایط سخت اقتصادی اوست که باید تلاش مضاعف کند نه این که زن را مجبور به کار کردن کند که در کسب درآمد شریک او گردد. اما امروزه در ایران و بسیاری از کشورهای اسلامی می‌بینیم که زن‌های شاغل با همه جور آدمی سروکله می‌زنند و توجه ندارند که زن موجودی است که خداوند آن را لطیف آفریده و باید کانون مهر و عاطفه و محبت خانواده باشد. زیرا زنی که شغل دارد از طرفی ممکن است کمتر زیر بار دستورات شوهرش برود و از طرف دیگر وقت آن را ندارد که به کارهای منزل و وظایف همسری خود در برابر شوهر به خوبی عمل کند و مردان باید توجه کنند که در شرایط سخت اقتصادی به خود متکی باشند نه این که برای کسب درآمد، زنان خود را شریک اقتصادی کنند که این امر در روابط زناشویی اثر می‌گذارد.

مردان نیز باید به وظایف خود آشنا باشند تا موجب تضييع حق همسرانشان نشوند. امام صادق می‌فرماید: بر شوهر در تعامل با همسرش سه چیز ضروری است؛ موافقت با وی تا موافقت و محبت و میل او را به خود، جلب کند. خوش اخلاقی با وی و دلبری از او با آراستگی ظاهری در نگاهش و گشایش در زندگی برای او (حرانی، ۱۴۰۴: ۳۲۳).

زن نسبت به شوهر خود حق معاشرت دارد چنانکه در قرآن آمده است: «و عاشروهن بالمعروف» (نساء/آیه ۱۹) یعنی مردان باید با همسران خود خوش‌رفتاری کنند و حق دیگری که زنان بر شوهرانشان دارند که در فقه امامیه به آن اشاره شده است این است که: شوهر نمی‌تواند بیش از چهار ماه نزدیکی با عیال دائمی خود را ترک کند؛ بلکه اگر زن جوان باشد و یا به خاطر میل زیاد در این مدت، بیم آن برود که به گناه بیفتد احتیاط واجب آن است که طوری رفتار کند که او به گناه نیفتد و یا او را طلاق دهد (وحیدی، ۱۳۸۵: ۲۹۸). در فقه برای احکام زن و شوهر علاوه بر واجبات، مستحبات و مکروهات فراوانی ذکر شده که از جمله آنها توجه به اموری است که در همبستری مستحب دانسته شده توجه به اموری که در همبستری مکروه است و اجتناب از همبستری‌های حرام و... خلاصه این که هر یک از زوجین نسبت به هم وظایفی دارند که برخی از وظایف واجب و برخی مستحب و اجتناب از برخی امور که حرام است برای هر یک از زوجین واجب و ترک امور مکروه در روابط زن و شوهر برای هر یک از زوجین مستحب است و با آگاهی همسران و عمل کردن به آنها سبک زندگی اسلامی محقق

می‌گردد و در غیر این صورت نمی‌توانیم امیدی به تحقق سبک زندگی اسلامی از راهی دیگر باشیم (برای آشنایی کامل از احکام زوجین براساس فقه امامیه ر.ک: (وحیدی، ۱۳۸۵).

### نتیجه‌گیری

در این مقاله مطالبی پیرامون فقه نکاح بیان گردید و سپس رابطه آن با سبک زندگی را بررسی نمودیم. از آنچه بیان گردید نتایج زیر به دست می‌آید: یکی از ابواب مهم فقه، نکاح می‌باشد که از زمان خواستگاری دارای احکام و قواعد ویژه‌ای است که ندانستن آنها موجب می‌شود که مسلمانان گاهی ندانسته از سبک زندگی صحیح اسلامی فاصله بگیرند.

به عقیده ما فقه نکاح در واقع یک سبک و الگوی جامع زندگی را در میان مسلمانان می‌تواند ایجاد کند به شرط این که به این دستورات عمل شود اما متأسفانه امروزه سبک زندگی جوامع اسلامی به گونه‌ای است که در برخی از جوامع فقط نام اسلامی از آن باقی مانده است.

مهریه از حقوق مسلم زوجه است و خداوند متعال به زوج دستور داده تا مهریه را به عنوان عطیه‌ای بلا عوض (و با هدف تحکیم خانواده) آن را به همسر خویش اهدا نماید و شعار مهریه را چه کسی داده و چه کسی گرفته هیچ تناسبی با سبک زندگی اسلامی ندارد.

یکی از دلایل نپرداختن مهریه عدم تمکن مالی مردان است. زیرا آنان با این نگرش که مهریه را پرداخت نخواهند کرد زیربار مهریه‌های بسیار سنگین می‌روند و لازم است به دامادها آموزش داده شود که مهریه عندالمطالبه است؛ پس باید وضع اقتصادی مرد در آن لحاظ شود تا بتواند آن را در هنگام مطالبه زوجه، پرداخت نماید.

اسلام نفقه زن را به دوش مرد گذاشته و جهاد زن را خوب شوهرداری کردن قرار داده، و این یعنی ترغیب زنان به رسیدگی کردن به امور خانه. اسلام اختلاط زن و مرد را نکوهش کرده اما امروزه حضور زنان در کنار مردان در بسیاری از ادارات، فروشگاه‌ها، آژانس‌ها و... عادی شده و شوخی و مزاح زن و مرد همکار در برخی از محیط‌ها به یک امر عادی مبدل گشته که به روابط زن و شوهری لطمه می‌زند و نتیجه آن می‌شود آن چه را که امروزه می‌بینیم از آمار رو به افزایش طلاق و...

در زمانی نه چندان دور برای بسیاری از زنان اسلامی مایه افتخار بود که وقتی از شغل آنها سؤال می‌شد جواب می‌دادند که خانه‌دار هستند؛ اما امروزه چون سبک زندگی ما غربی شده،

دیگر زنان از خانه‌دار بودن شرمگین می‌شوند و در برخی از جوامع اسلامی شاغل بودن زن، یک مزیت به شمار می‌آید.

نابسامانی و عدم آرامش موجود در جامعه امروز ما از جمله بالا رفتن سن ازدواج، افزایش آمار طلاق و مشکلات فراوان دیگر تنها یک راه حل دارد و آن هم عمل نمودن به تکالیف شرعی و فاصله گرفتن از آن چه که امروزه به آن روی آورده‌ایم یعنی غرب‌گرایی.

بهترین راه جهت مقابله با این امر بدین شرح می‌باشد که فقیهان و مروجان دین، لذت عمل به سبک زندگی اسلامی را برای مردم بازگو کنند. و خود نیز از عمل‌کنندگان به این احکام باشند تا مردم از آنها الگو بگیرند.



## فهرست منابع

- \* قرآن کریم
- \* قانون مدنی ایران
- \* قانون مدنی فرانسه
- ۱. ابن زین الدین، حسن، (۱۳۷۶ش)، معالم الاصول، قم، دار الفکر، چاپ دوم.
- ۲. ابن شعبه الحرّانی، حسین بن علی، (۱۴۰۴ ق، ۱۳۶۲ش)، تحف العقول عن آل الرسول ۶، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- ۳. اراکی، محمد علی، (۱۳۷۱ش)، رساله توضیح المسائل، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۴. اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱ق)، کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة، تبریز، مکتبه بنی هاشمی.
- ۵. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۱ش)، مفاتیح الحیاء، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ سی و سوم.
- ۶. الجوهری، اسماعیل بن حمّاد، (۱۴۰۷ق)، تاج اللغه و صحاح العربیة، القاهرة، دار العلم للملایین.
- ۷. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، (۱۳۹۱ق)، وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعة، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ۸. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۲هـ)، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ اول.
- ۹. حسینی سیستانی، سید علی، (۱۳۷۷ش)، رساله توضیح المسائل، قم، ایران.
- ۱۰. حسینی، سید مجتبی، (۱۳۸۹ش)، پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی، ج ۳۳، احکام روابط زن و شوهر مطابق با نظر ده تن از مراجع عظام، قم، دفتر نشر معارف، چاپ چهارم.
- ۱۱. حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن، (۱۹۸۳ م - ۱۴۰۳ق)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تحقیق و تعلیق، عبدالحسین محمد علی، بیروت، منشورات درالأضواء، چاپ دوم.
- ۱۲. حلّی، حسن بن یوسف المطهر، (۱۳۸۸ق)، تذکره الفقهاء، تهران.
- ۱۳. خمینی، روح الله، (۱۳۷۹ش، ۱۴۲۱ق)، تحریر الوسیله، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۴، چاپ اول.
- ۱۴. خمینی، روح الله، (۱۳۷۵ش)، رساله توضیح المسائل، قم، نشر روح.
- ۱۵. خمینی، سید روح الله، (۱۳۹۰ق)، تحریر الوسیله، چاپ نجف.
- ۱۶. شرف الدین، سید حسین، (۱۳۸۰ش)، تبیین جامعه شناختی مهریه در نظام حقوق خانواده در اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ۴.
- ۱۷. صدوق، محمد بن علی بن بابویه القمی، (۱۳۶۴ش)، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، شریف رضی، چاپ دوم.
- ۱۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۴۰۱ق)، من لایحضره الفقیه، بیروت، دار صعب و دار التعارف.
- ۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.

۲۰. طوسی، محمد بن حسن، (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، مقدمه آغاز بزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۱. العاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، (۱۴۲۵ق)، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الاسلام، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ سوم.
۲۲. العاملی، ابی عبدالله شمس الدین محمد بن جمال مکی (شهید اول)، (۱۳۸۴ش)، ترجمه علی شیروانی، قم، انتشارات دار الفکر، چاپ بیست و هفتم.
۲۳. فاضل لنگرانی، محمد، (۱۳۷۹ش)، جامع المسائل (استفتآت)، چاپ مهر، چاپ ششم.
۲۴. فاضلی، محمد، (۱۳۸۲ش)، مصرف و سبک زندگی، قم، انتشارات صبح صادق، چاپ اول.
۲۵. فیض الاسلام، (۱۳۷۷ش)، سید علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، انتشارات فقیه، چاپ سوم.
۲۶. فیض الاسلام، سید علینقی، (۱۳۷۷ش)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران: انتشارات فقیه، چاپ سوم.
۲۷. قرشی، سید علی اکبر، (بی‌تا)، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۸. القرطبی، محمد بن احمد، (۱۹۶۶م)، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۹. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۵ق)، فروع الکافی؛ تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، بیروت، دار الأضواء.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۱ق)، الکافی، بیروت، دار التعارف، چاپ چهارم.
۳۱. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۱۰ق)، بحار الأنوار فی اخبار الائمه الأطهار، بیروت، مؤسسه الطبع و النشر، چاپ اول.
۳۲. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق، ۱۹۸۳م)، بحار الأنوار لدرر أخبار الائمه الأطهار، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم.
۳۳. محقق داماد، مصطفی، (۱۳۸۴ش)، بررسی فقهی حقوق خانواده نکاح و انحلال آن، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ یازدهم.
۳۴. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۷۸ش)، میزان الحکمه، قم، دارالحديث، چاپ اول.
۳۵. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۹ش)، نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا، چاپ پنجاه و پنجم.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۲ش)، رساله توضیح المسائل، تهران، فکر برتر چاپخانه قدیانی.
۳۷. نجفی، محمد حسن، (۱۹۸۱م)، جواهر الکلام فی شرائع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم.
۳۸. نوری همدانی، حسین، (۱۳۷۸ق)، توضیح المسائل، مؤسسه مهدی موعود(عج)، چاپ پانزدهم.
۳۹. وحید خراسانی، حسین، (۱۴۲۳ق)، توضیح المسائل، قم، مدرسه الامام الباقر العلوم ۷، چاپ چهارم.
۴۰. وحیدی، محمد، (۱۳۸۹ش)، احکام خانواده، قم، سنابل.